**خارج فقه جلسه 13 - زيادي آب کف دست براي مسح - 26/07/1401**

موضوع: **(حکم زيادي آب کف دست براي مسح - اقوال - ادله - اشکال استاد)**

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

**مسئله بيست و نهم: حکم آب زيادي که بر روي دست قبل از مسح باقي مانده است، مرحوم سيد در عروه مي‌نويسد که اگر بر ماسح آب زيادي باشد به‌طوري‌که اگر بر ممسوح بکشد آب جاري مي‌شود کم کردن اين آب واجب نيست و فقط قصد کند که مسح انجام مي‌دهد و بهتر آن است که آب را کم کند، در اينجا دو امر بايد بحث شود:**

**امر اول: زيادي آب بر روي ماسح مضر نيست چون رطوبت در روايات مسح مراتبي دارد و اقل آن‌همين است که روي دست است و اکثر آن رطوبتي است که جاري بر ممسوح مي‌شود.[[1]](#footnote-1)**

**امر دوم: آبي که بر روي عضو سر و پا در هنگام مسح جاري شود آيا اين آب را غَسل يا مسح مي‌گويند؟ که سه قول است:**

**قول اول: در کتاب المقاصد العليه در شرح رساله الفيه ذيل الحادي عشر که به اين آب غَسل گفته مي‌شود چون مفهوم غَسل از نظر عرف همين است که آب جاري شود لذا اجماع فقها بر عدم جواز مسحي است که دست پر از آب است لذا شرط است در مسح مطلقا آب جاري نشود چه آن آب کم يا زياد باشد.**

**قول دوم: مرحوم سيد در عروه و بسياري از محشين و مراجع عظام که در آب زائد اگر اِمرار و کشيدن باشد و قصد شستن نباشد بلکه به قصد مسح باشد واجب نيست تقليل آب اما بهتر تقليل است.**

**اما دليل: از نظر اين قائلين بين غسل و مسح هم مفهوما و هم خارجا تباين کلي نيست بلکه بين آن‌ها عموم و من وجه است که دو ماده افتراق آن يک جا مسح است که مقداری نَم بر روي پا است و جاي ديگر غَسل است که مي‌شويند اما ماده اجتماع آنجايي که هم غسل و مسح است که همين بحث ما است پس به اعتبار اينکه مسح است لا يجب تقليلها و به اعتبار اينکه غسل است و الاولي تقليلها.**

**اشکال استاد:**

**اولاً: اجتماع مسح و غسل اگر به مجرد کشيدن باشد مجرد فرض است و تحقق پيدا نمي‌کند و اگر به فرض هم صحيح باشد بايد احتياط کرد و آب دست را کم کرد لذا لا يجب تقليلها مشکل دارد بلکه و الاحوط تقليلها و اگر اين جريان آب بعد از تحقق مسح باشد که غَسل بعد از تحقق مسح مضر به مسح نيست و قاعده فراغ جاري است و وجهي براي تقليل آب نيست.**

**ثانياً: اينکه بين مسح و غسل عموم وجه است، درست نيست بلکه بين آن‌ها تباين کلي است اما مثل تخالف است، مثلاً شيرين و ترش متخالفين اند اما در انار جمع مي‌شوند.**

**قول سوم: و هو المختار که تفصيل بين اينکه اگر کشيدن و امرار مثل اهل سنت باشد وضو باطل است و اگر به خاطر مسح و کشيدن باشد اشکالي ندارد و تقليل آب هم لازم نيست.**

**مسئله سي‌ام: در تحقق مسح بايد ماسح بر ممسوح کشيده شود نه برعکس چون:**

**اولاً: بين ماسح و ممسوح فرق است در ماسح جهت ايقاع (حالت انشايي دارد) است و در ممسوح جهت وقوعي و در مسح جهت ايقاعي لازم است.**

**ثانياً: در مفهوم مسح کشيدن و امرار نهفته است اما تارة: امرار براي پاک کردن چرک است و اخري: براي تحقق مسح سر و پا است. پس امرار و کشيدن حقيقتاً در مفهوم مسح وجود دارد و ظهور عرفي آن‌هم امرار است که در شرع براي انتقال رطوبت دست به سر و پا استفاده مي­شود که در اينجا وزان شرع و عرف يکي شده است.**

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. **شهيد اول د ذکري ج ۲ ص ۱۴۳** [↑](#footnote-ref-1)